

شمایل‌ها ز خم بستر گرفتند

۱- در دهه پنجاه دو فوتبالیست «لر» در جام تخت جمشید بازی می‌کردند که مظهر غیرت و از جان گذشتگی بودند. ناصر را معمولاً در دفاع وسط تراختور و ماشین می‌دیدیم که با آن موهای بلند فر فری‌اش تاروی شانه فرواردهای درجه یک می‌پرید و سر می‌زد. غلام هم دفاع چپ عالی بود. نه تنها تماشاچی‌های پرشور و شور بلکه خود گارنیک و آقای فکری هم از سلحشوری و نترسی آنها انگشت به دهان می‌ماندند. روی فوتبال ناصر و غلام نمی‌شد قیمت گذاشت. آنها شماییلی از قناعت و جنگجویی قوم «لر» بودند که تعهد و جنگیدن‌شان ربطی به حقوق‌شان نداشت. خب ناصر را تا همین پار سال پیر سال دیدیم که چطور ز خم بستر گرفته و توسط خواهرش تیمار می‌شود دیدیم که چگونه لنگ پول یک آمپول است و چطور در پیچ و خم فوتبال بی‌ترحم حرفه‌ای از یادها و آرشوها گریخته است. دیدیم که وقتی مرده، چگونه بوقلمون‌ها در مقابل دوربین‌های تلویزیونی در توصیفش سخن گفتند و نفهمیدیم که قبل از مرگش چقدر بی‌کس و کار بود.

از غلام هم سال‌هاست که خبر نداریم. نمی‌دانیم کجا است اما هر چه بود فوتبال لرستان، سال‌های سال با این دو شمایل شناخته می‌شد. سر جلوی توپ می‌گذاشتند و آن نمی‌گفتند. در مقابل هر توپی که به چارچوب‌شان می‌آمد عین ایلبانی‌های قدیم لرستان جان می‌دادند و کم نمی‌گذاشتند. فوتبال مادر مقابل ناصر و ناصر هارسم مروت به جای نیاور داماهر چه که بود یادمان ناصر به عنوان شمایل و مظهری از فوتبال فداکارانه لرستان در تاریخ شفاهی می‌ماند.

این روزها که بحث حضور گهرز اگرس در لیگ برتر است یاد ناصر افتادیم. یاد مردی که یک عمر آرزو داشت حضور سرزمین‌اش را در جدول لیگ برتر ببیند و گمان کند بگری که او بر زمین لرستان پاشیده است جوانه زده. حالا گهر هست و ناصر نیست. حالا «حرفه‌گرای بی‌ترحم» هست و آرمان‌های ناصر بر خاک، غنوده است حالا زمانه عوض شده است. حالا دیگر هویت بومی مناطق، در تیم‌ها نیست. ملغمه‌ای است، آش شله قلمکاری ست از «غیربومی‌گری» و فقدان اصالت‌ها را می‌توان به سهولت در تار و پود نمایندگان مناطق دید. لرستان، آذربایجان و یا خوزستان فوتبالش باید باز تاباننده همان هویت بومی باشد. عین کاتالان‌ها که از همین زاویه، چشم جهانیان را به سمت فرهنگ‌شان خیره کرده‌اند. این نکته، تضادی با حرفه‌ای‌گری و استفاده از عناصر غیربومی در تیم‌هاست که اساساً در عصر امروز و دهکده جهانی‌اش بومی‌گرایی مفراط، عقب‌ماندگی ست. اکنون تراختور هویت

آذربایجان است. باز تاباننده خصلت‌ها و رفتارها و مناسبات قومی. حتی اگر یک بازیکن آذربایجانی هم در تیمش نباشد! اکنون نفت نیز هویت خوزستان است. باز تاباننده همان فرهنگ قومی. حتی اگر تیمش پر از توپچی‌های غیربومی باشد پس گهر نیز باید نماینده لرستان باشد محلی برای بروز عزت نفس آن خطه فوتبال تنها مکانی است که می‌تواند به صورت استثنایی، این فرصت را به مردم یک ناحیه بدهد تا احساسات‌شان را هر آنچه که هست، به صورت بی‌پروا، در میدان یاری سکوها بروز دهند. یادگارهای تاریخی، خصلت‌های فرهنگی، و ویژگی‌های اجتماعی، تنها در همین بستر است که هویت خود را باز می‌تاباند. این از ویژگی‌های منحصر به فرد فوتبال است که باعث می‌شود یک باشگاه مهم‌ترین نهاد دلبستگی مردم یک منطقه باشد نهادی فراتر از طبقات اجتماعی گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژی‌ها.

۲- لیست اسامی باشگاه‌های ورزشی فعال در تهران که در سالنامه وزارت فرهنگ به سال ۱۳۲۶ منتشر شده است به دستم افتاده از مجموع یازده باشگاه دولتی و چهارده باشگاه خصوصی فعال در آن زمان، این تنها راه آهن است که تن‌نخور خود را تا امروز، بالا آورده است و اکنون دارد در وضعیت اقتصادی عجیب و غریب فوتبال حرفه‌ای، دست و پایی زدن در همه جای دنیا مردم معمولاً به اصالت باشگاه‌شان می‌نازند و تاریخ تشکیل تیم‌شان را به عنوان مظهر اصالت و قدمت، بر پیشانی حریف می‌کوبند. اکنون به لیست ۲۵ باشگاه سال ۱۳۲۶ (همراه با مدیران‌شان) نگاه کنید و ببینید الباقی این کلوب‌ها در کجای تاریخ مافوق‌دیده‌اند؟ باشگاه‌هایی که در دهه‌هایی، بر تارک ورزش مادر خشیده و سپس با یک بشکن، از کورسو افتاده‌اند:

- ۱- باشگاه لشکر یکم (سروان بیات) ۲- باشگاه لشکر دوم (سروان یحیی) ۳- باشگاه موتور مکانیزه ۴- باشگاه بانک ملی (نجومی) ۵- باشگاه بانک شاهنشاهی (محسنی)
- ۶- باشگاه پشت و تلگراف (علی نقی علو) ۷- باشگاه دخانیات (مهندس همایون) ۸- باشگاه راه‌آهن (مهندس کریم) ۹- باشگاه دارایی (علی اکبر محب) ۱۰- باشگاه بانک صنعتی (کمالی)
- ۱۱- باشگاه ژاندارمری (سرهنگ دوم شریف)
- باشگاه‌های خصوصی: ۱- باشگاه تهران (مهندس تیزهوش)
- ۲- باشگاه دوچرخه‌سواران (سروان خسروانی) ۳- باشگاه نیرو و راستی (منیر مهران) ۴- باشگاه شعاع (معمدی) ۵- باشگاه ببر (مجیدی) ۶- باشگاه فولاد (رضی زاده) ۷- باشگاه شرق (ادب خواه) ۸- باشگاه شاهین (اکرامی) ۹- باشگاه بوستان

ورزش (قیصریه) ۱۰- باشگاه نیک‌نام (نیک‌نام) ۱۱- باشگاه طوسی (مصطفی طوسی) ۱۲- باشگاه ارمنه (سورک ساکینیان) ۱۳- باشگاه نیرو جوان (گتیمی‌ری) ۱۴- باشگاه پینگ‌پنگ کلوب (مسعودی)

یک نگاه سرپایی به باشگاه‌هایی همچون بانک ملی، دخانیات، راه‌آهن، دارایی، دوچرخه‌سواران، نیرو و راستی، فولاد، شرق شاهین، بوستان، طوسی و ارمنه، نشان می‌دهد که ما چقدر بی‌رحمانه با داشته‌هایمان برخورد کرده‌ایم.

باشگاه بانک ملی که عمری در رده اول ورزش مامی درخشید و از لحاظ استعداد یابی و تحویل جوانهای مستعد به تیم ملی نامدار بود چرا از آن چرخه تربیتی دور افتاده است؟

باشگاه دخانیات که عمری در والیبال، آقایی می‌کرد الان کجاست و چه می‌کند؟ راه‌آهن چرانی می‌تواند خود را با چرخه حرفه‌ای‌گری امروز هماهنگ کند؟ باشگاه دارایی که یکی از قلب‌های ورزش ایران بود، چرا تشییع و تدفین شد؟

نیرو و راستی که یک عمر، پرافتخارترین قهرمانان ورزش جهان را پرورش داد چرا بعد از منوچهر و منیر مهران تلف شد. بر سر شعاع چه آمد؟ باشگاه فولادی که محل پرورش پهلوانان پایتخت بود چه بلایی سرش آمد؟ شرق کجاست؟ شاهین با آن همه عظمت چرا منحل شد. بوستان ورزش که مربیانی همچون حسین جبارزادگان داشت و تحصیل رانیز همپای قهرمانی به ورزشکاران خود تأکید می‌کرد اکنون در کدام قبرستان دفن است؟ باشگاه ارمنه که بعدها جایش را به آارات داد در مناسبات ورزشی امروز، چرا هیچ نشانی از گذشته پرافتخارش ندارد؟ باشگاه طوسی که محل پرورش گوش شکسته‌ها بود کی از رونق افتاد؟ نیک‌نام چه شد؟

کدام کشور راسراغ دارید که از ۲۵ باشگاه فعال ۶۵ سال پیش‌اش فقط یک باشگاه‌اش فعال باشد و نود درصدش با نابودی مواجه شود؟ باشگاه‌داری امروز ما که دم از مدرنیته و حرفه‌ای‌گری می‌زند و عنوان «فرهنگی» بر تابلوهایش می‌درخشد کدامیک توانسته در حوزه «تربیتی» نقشی در حد نیرو و راستی و بوستان ورزش و شاهین به عهده بگیرد و در حوزه فرهنگ‌سازی اجتماعی در حد همان سه باشگاه مذکور، تأثیر گذار باشد؟ ما چه اصولی از این باشگاه‌های فنا شده یاد گرفتیم. سازمان ورزش یا شهرداری و یا میراث فرهنگی مسئولان مربوطه، کدامیک از این ۲۵ باشگاه ما را به عنوان میراث فرهنگی نگه داشت تا پل ارتباطی آیندگان مان با گذشتگان مان باشد؟

کدام باشگاه‌مان توانست با مطالعه و الگو برداری از میراث فرهنگی بوستان و شاهین و نیرو و راستی، مانیفست بنویسد که به عنوان مرانامه داخلی، از اصول فرهنگی خود محافظت کند؟

۳- قهرمانی سپاهان در لیگ فوتبال ایران بی‌دلیل نیست. اگر سال‌های پیدایش و راه‌اندازی فوتبال یکصد ساله ایران را نادیده بگیریم که طبیعتاً به دلیل پایتخت بودن طهران، همه چیز در

